

عقب‌ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامه‌نویس‌ها

معصومه مرادی^۱

چکیده

روزنامه‌نویس‌ها، که در دوره مظفری به عنوان روزنامه‌ای تبعیدی و با افکاری روشنفکرانه در قاهره منتشر می‌شد، در مقاله‌های متعدد به بررسی دلایل عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... پرداخت. این روزنامه، دلیل عمده عقب‌ماندگی و وضعیت نابسامان مردم ایران را در بی‌سوادی و جهالت جامعه، تقدیرگرایی، وابستگی سیاسی و اقتصادی به خارج و نبودن عدالت و مساوات می‌دانست و برای غلبه بر این وضعیت نابسامان، به ارائه راهکارهای متعدد پرداخت. نویسنده تأکید داشت که ایجاد مدارس جدید و دانشگاه‌ها در ایران و سوادآموزی برای مردم، اعم از زن و مرد، برای غلبه بر جهل عامه مردم که از سواد محروم بودند، ضروری است. از طرف دیگر این روزنامه بر ضرورت ارتباط با دیگر کشورها و استفاده از پیشرفت‌های نوین آنها تأکید نمود. این روزنامه همچنین، گسترش تجارت و کشاورزی و عدم وابستگی به بیگانگان را از دیگر عوامل پیشرفت ایران دانست. در نهایت اینکه، این روزنامه مهم‌ترین عامل از میان رفتن عقب‌ماندگی کشور را وطن‌گرایی و حب وطن بیان نمود و تأکید کرد که اگر ملت، حب وطن داشته باشند و در آبادانی آن بکوشند، کشور پیشرفت خواهد کرد.

واژگان کلیدی: نویسنده، علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی، دوره قاجاریه، قاهره.

۱. مربی، دانشگاه آزاد کنگان، نشانی الکترونیکی: moradi.masomeh@gmail.com

مقدمه

جامعه ایران در عصر قاجار، با وجود داشتن فرهنگ و تمدنی قدیمی و درخشان، همچنان به صورت یک جامعه سنتی بود و باورهای فراوان، همراه با تعصب و ورزی شدید، بر روح و فکر بیشتر افراد جامعه حکم‌فرمایی داشت. مردم بسیار پایبند به آداب و رسوم ملی و سنتی بودند و از هرگونه شیوه نوین زندگی به دور مانده بودند.^۱ بنابراین در چنین جامعه‌ای، امکان هیچ‌گونه پیشرفتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... وجود نداشت. هر چند از دوران عباس میرزا، تلاش‌هایی در جهت رواج تکنولوژی غرب در ایران صورت گرفته بود، تا زمانی که مردم جامعه از نظر فکری و آگاهی، متحول نمی‌شدند، پیشرفتی نیز در کشور حاصل نمی‌شد و ایران همچنان به عنوان کشوری عقب مانده، باقی می‌ماند. از این رو نیاز بود که به گونه‌ای سطح آگاهی مردم، بالا رود.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اطلاع‌رسانی در دوره قاجار، روزنامه‌ها بودند که نقش بسیار ارزنده‌ای را در آگاهی مردم از علوم و فنون جدید بازی می‌کردند. روزنامه‌هایی که در این دوران منتشر می‌شدند، یا دولتی بودند، یعنی زیر نظر دولت منتشر می‌شدند، مثل روزنامه دولت علیه، وقایع اتفاقیه و...، و یا روزنامه‌هایی بودند که به صورت خصوصی و توسط افرادی روشنفکر در داخل یا خارج از کشور انتشار می‌یافتند.

آن دسته از روزنامه‌هایی که به طور خصوصی منتشر می‌شدند، بیشتر به مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه توجه داشتند و تلاش می‌کردند دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های خود را جهت اطلاع و آگاهی مردم از طریق درج مقالات، گسترش دهند. از جمله این روزنامه‌ها، ثریا بود. روزنامه ثریا، به مدیریت میرزا علی محمدخان کاشانی از چهاردهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۶ه.ق در قاهره شروع به انتشار کرد و به زودی انتقادات گسترده خود را از وضع موجود جامعه ایران در دوره مظفری آغاز نمود. این روزنامه در مقالات متعدد به بررسی دلایل عقب‌ماندگی ایران پرداخت و تلاش نمود تا با ارائه راه حل، کشور را از این وضعیت نجات بدهد. تاکنون کتاب یا مقاله‌ای که به طور خاص به بررسی دیدگاه روزنامه ثریا در زمینه عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف بپردازد، نوشته نشده است؛ از این رو این مقاله می‌تواند نخستین گام در این راستا باشد.

۱. علی اصغر شمیم، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲.

جهل و نادانی و بیسوادی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی جامعه

روزنامه‌تρία در اکثر مقالات انتقادی خود، به عقب بودن ایران در اکثر زمینه‌ها پرداخته‌است؛ اما مهم‌ترین دلیل عقب‌ماندگی را، جهل و نادانی ایرانیان می‌داند: «... در امروز که آفتاب علم و تمدن، شرق و غرب را روشن داشت و از هر روزنی بر هر سیاه چالی تابید و آثاری از ظلمت نگذارد، ما اهالی ایران در ظلمت نادانی خفاش صفت، از پرتو این شمس محروم بمانیم...»^۱ به عقیده این روزنامه یکی از مهم‌ترین دلایل جهل و نادانی، وضعیت بد تعلیم و تربیت افراد و نیز شیوه اشتباه آموزش به آنهاست. در این باره می‌نویسد: «... وضع تعلیم در مملکت فلک‌زده ما به چه قسم است، سه چهار هزار طلاب علوم شرعی - کثرالله امثالهم - جای خود دارند که شصت سال اوقات عزیز را به تحصیل و تتبع مصروف می‌دارند و در انجام، هیچ نفعی از ایشان امت را نمیرسد که اقلاً این قوانین متین و شریعت را به فارسی عوام‌فهم، ترجمه و استخراج نفرمایند که عموم را از آن فایده رسد...»^۲

این روزنامه دلیل استیلا و غلبه انگلیس بر ملل مسلمان را، علم و دانش مردم این کشور و تحصیل آنان در مدارس می‌داند، که هم باعث قدرتمند شدن ملت می‌شود و هم دین و آئینشان حفظ می‌گردد.^۳

تρία راه‌حل مبارزه با جهل و نادانی را علاوه بر ترجمه آثار عربی به فارسی از طریق صاحب‌نظران، دست کشیدن از شیوه‌های قدیمی علم‌آموزی در مکتب‌خانه و ایجاد مدارس جدید بیان می‌کند. در واقع، این روزنامه، اصلی‌ترین راه‌هایی از عقب‌ماندگی ایرانیان را افتتاح مدارس به سبک جدید می‌داند. نقطه امیدبخش، روند روبه‌رشد افتتاح این مدارس در دوره مظفری بود و روزنامه‌تρία از جمله مشوقان افتتاح این گونه مدارس بود. به گونه‌ای که تقریباً در هر شماره، بر لزوم علم‌آموزی ایرانیان و راهایی از جهل و نادانی‌ای که به آن گرفتار آمده بودند، تأکید می‌شد. گزارش‌های متعدد از مدارس که افتتاح می‌شد، سخنرانی‌هایی که به

۱. میرزا علی محمدخان کاشانی، «دارالخلافة طهران»، تρία، سال دوم، ش ۱۷، ۹ ذی القعدة ۱۳۱۷ / ۱۰ مارس ۱۹۰۰، ص ۵

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، تρία، سال دوم، ش ۱۹، ۲۳ ذی القعدة ۱۳۱۷ / ۲۴ مارس ۱۹۰۰، ص ۱۷

۳. همان، «مویه تρία بر جگرگوشگان وطن»، تρία، سال اول، ش ۳۷، ۲۹ صفر ۱۳۱۷ / ۸ جولای ۱۸۹۹، ص ۱۱

۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

هنگام تأسیس این مدارس توسط بانیان آنان ایراد می‌گشت و حتی شرح امتحانات آنان در شماره‌های مختلف این روزنامه به چاپ می‌رسید. به عقیده روزنامه، علاوه بر عقب‌ماندگی ایران در زمینه کسب علوم جدید و ایجاد مدارس به شیوه جدید، که آن را مهم‌ترین عامل عقب بودن ایران می‌داند، برای رهایی از این جهالت و غفلت باید سستی، کاهلی و تنبلی را یک سو نهاد و تلاش و کوشش را آغاز کرد. اگر تلاش و کوشش خود را مصروف داریم و آنچه امروز در تنبلی و سستی مصروف می‌داریم، در راه ترقی و پیشرفت استفاده کنیم، به هدف خود که همانا رهایی از عقب‌ماندگی و پیشرفت کشور است، خواهیم رسید.^۱

- وابستگی سیاسی و اقتصادی به خارج

از دیگر عواملی که به عقیده روزنامه ثریا، دلیل عقب‌ماندگی ایران قلمداد می‌شود، وابستگی سیاسی و اقتصادی کشور به خارج است. نکته‌ای که هنگام بررسی تاریخ قاجاریه جلب توجه می‌کند، وابستگی دولتمردان و رجال سطح بالای مملکتی به دولت‌های انگلیس و روس است. روزنامه ثریا دلیل آن را جهالت ایرانیان می‌داند و می‌نویسد: «... امروز در ایران رواج بازار خیانت که فی الواقع نتیجه جهالت است، از هر چیز بیشتر است؛ زیرا اگر کسی جاهل نباشد، رضا نمی‌شود ناموس و عرض خویش را به پول بفروشد و اگر پرده از روی کار برداشته شود، معلوم گردد که نصف ماها انگلیس مآب و نصفمان روسی مآب هستیم... آنچه مان در ایالات جنوبی واقع شده‌ایم لیبرال یعنی طرفدار انگلیسی هستیم و اگر احیاناً خلاف آن رفتار کنیم... هواخواه روس‌ها... پس حق دارند جناب میرپنج که در ایالات جنوبی واقع اند بگویند مالک رقاب ما فرنگان‌اند...»^۲

به عقیده ثریا، یکی از دلایل وابستگی سیاسی دولتمردان ایران به کشورهای چون روسیه و انگلیس، عدم وطن‌پرستی و حب وطن است.^۳ ثریا حب وطن و وطن‌پرستی را یکی از عوامل اصلی و مهم انسانیت می‌داند و آن را یک پدیده غریزی می‌شمارد و از آنجایی که ایرانیان دوره

۱. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷/ ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ثریا»، ثریا، سال اول، ش ۳۶، ۲۲ صفر ۱۳۱۷/ ۱۰ جولای ۱۸۹۹، ص ۲

۳. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۲۵۵، ذی الحجه ۱۳۱۷/ ۱۵ آوریل ۱۸۹۹،

مظفری را فاقد حس وطن‌پرستی می‌داند، نتیجه می‌گیرد کلمه انسان را نمی‌توانیم به مردم سرزمین خودمان اطلاق کنیم.^۱

ایران علاوه بر وابستگی سیاسی، از نظر اقتصادی نیز به شدت به کالاهای و صنایع خارجی وابسته بود و همین امر، وابستگی سیاسی را نیز تشدید می‌کرد. ثریا این امر را یکی از عوامل بدبختی و عقب‌ماندگی ایران می‌داند: «... عمده مصائب و بدبختی ما این شده که به اجانب، از جزئی و کلی، محتاجیم و نخست باید رفع احتیاج کرد و بعد به مداوای دردهای دیگر کوشید...»^۲ در شماره ۳۷ سال دوم روزنامه نیز عنوان می‌کند که امروز ما در داخل کشور از صنایع داخلی و سود حاصل از آن بی‌بهره‌ایم و محتاج و نیازمند کالاهای بیگانه هستیم.^۳ ثریا دلیل افزایش چندین برابری صادرات در این دوره را تنبلی و کاهلی ایرانیان از یک طرف،^۴ و نداشتن کارخانجات جدید که در اروپا در زمینه‌های مختلف به وجود آمده بود - از طرف دیگر، و نیز نداشتن ابزارآلات جدید و پیشرفته در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً کشاورزی، بیان می‌کند. بنا به عقیده این روزنامه، کشور در گام اول، باید در زمینه‌های مختلف، از جمله کشاورزی، خود را تقویت کند؛ چون اولین راه قطع وابستگی، خودکفایی در زمینه تولیدات کشاورزی است. در حالی که ما به علت فقدان علم و فن زراعت، اراضی حاصلخیز خود را بایر و لم‌یزرع گذاشته‌ایم و از تمام منافع آن دست کشیده‌ایم، اروپاییان تمام بازار ما را مملو از محصولات و کالاهای خود کرده‌اند و ما هیچ تلاشی از خود نشان نمی‌دهیم.^۵

- تقدیر گرایی

از دیگر عواملی که ثریا آن را دلیل عقب‌ماندگی ایران می‌داند، تقدیرگرایی و نسبت دادن تمام حوادث و مشکلات به خواست خداست، و دلیل آن را تنبلی و سستی ایرانیان می‌داند که چون در کارها و امور مختلف عقب می‌افتند آن را به خواست خداوند نسبت می‌دهند.^۶ به عقیده ثریا، از دیگر دلایل نسبت دادن مسائل به خواست خدا، جهل مردماست: «جهل ما

۱. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۶، ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۶ / ۲ آوریل ۱۸۹۹

۲. همان، «ثریا»، ثریا، سال دوم، ش ۱۸، ۱۶ ذی القعدة ۱۳۱۷ / ۱۷ مارس ۱۹۰۰، ص ۸

۳. همان، «ترقی ما و دیگران»، ثریا، سال دوم، ش ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۷ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۱

۴. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷ / ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۲

۵. همان، «ترقی ما و دیگران»، ثریا، سال دوم، ش ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۷ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۱

۶. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، ش ۱۶، ۲ ذی القعدة ۱۳۱۷ / ۳ مارس ۱۹۰۰

علت نغم ماست و بی علمی ما سبب تعب ما؛ اگر غفلت دامنگیر ما نبود و جهل رفیق شفیق، هرگز راضی نمی شدیم که به این ذلت زندگی کنیم و اسمش را ریاضت و فقر بخوانیم و به هیچ تلاشی که باعث ترقی انسان است متمسک نگردیم و شب و روز در بطلات اوقات شریف را صرف کنیم و نامش را توکل خوانیم...»^۱

ثریا بر این بود که انسان جز با تلاش و کوشش خود به هیچ چیز نمی رسد. اگر انسان تلاش کند، زحماتش به هدر نمی رود. در حالی که ما ایرانی ها هیچ زحمتی به خود راه نداده و انتظار برداشت بهترین نتایج را داریم. تنبلی، کاهلی، خودپسندی، خودپرستی، کبر و غرور و نخوت، ما را به این روز انداخته و چون از اصلاح آن عاجزیم، ناچار آن را خواست و تقدیر خداوند قلمداد می کنیم.^۲ این روزنامه همچنین بر این نکته تأکید می کند که نباید از توکل به خدا اجتناب کرد؛ ولی امروز ما ایرانیان بهانه ای جز این نمی بینیم که هنگامی که از ما سوال می شود چرا مانند دیگر سرزمین ها پیشرفت نکردیم و یا چرا زمینه آن را فراهم نکردیم، (به طنز) آن را « به اقتضای امانی و تقدیرات سماوی نسبت می دهیم که از روز ازل با شرقیان به طور عموم و مخصوصاً با ما ایرانیان دشمن بود...»^۳

به علاوه به نظر این روزنامه، ایرانیان باید با پرداختن به علم و دانش و فراگیری علوم جدید، خود را همگام با دیگر کشورهای جهان قرار دهند و اگر همه چیز را به گردن قضا و قدر بیاندازند، روز به روز عقب افتاده تر از پیش خواهند شد. بنابراین باید تنبلی و کاهلی را کنار گذاشته و به جای شکایت از قضا و قدر، از انگلیس و روسیه درس بگیریم. در حقیقت اعمال آنها جای ستایش دارد؛ چون به فکر منافع ملی خود هستند. ثریا معتقد است ایرانیان باید اندوخته های پیشینیان را حفظ کرده و آن را با جهالت و تنبلی از دست ندهند؛^۴ چرا که جهالت عاقبت بدی را به دنبال خواهد داشت. وی تأکید می کند که ایرانیان باید از چین عبرت بگیرند؛ زیرا آنچه اروپاییان بر سر چین آوردند، بواسطه نادانی و جهالت چینی ها بود که باعث خواری و ذلت آنان شد بود.^۵

۱. همان، «بقیه مقاله نعم علم و نغم جهل»، ثریا، سال اول، ش ۸، سوم شعبان ۱۳۱۶/۱۷ دسامبر ۱۸۹۸، ص ۱۱

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، ش ۱۶، ۲ ذی القعدة ۱۳۱۷/۳ مارس ۱۹۰۰، ص ۱۸

۳. همان، «بقیه مقاله مصاحبه از نمره ۲۸»، ثریا، سال دوم، ش ۱۱، ۴ رمضان ۱۳۱۷/۶ نوامبر ۱۹۰۰، ص ۱۸

۴. همان، «هل یستوی الاعمی والبصیر»، ثریا، سال اول، ش ۱۱، ۲۶ شعبان ۱۳۱۶/۷ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۳

۵. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المومنین»، ثریا، سال اول، ش ۱۴، شانزدهم رمضان ۱۳۱۶/۲۸ ژانویه

- نبودن عدالت و مساوات

از دیگر مشکلات اجتماعی دوره قاجار، نبودن عدالت و مساوات بود. بدیهی است تا زمانی که مساوات و عدالت در جامعه وجود نداشته باشد، کشور پیشرفت نمی‌کند. به عقیده‌تρία، باید از طرف حکومت مساوات برقرار شود و غنی و فقیر را به یک چشم ملاحظه کنند و اگر مرافعه پیش آمد و طرف فلان فقیر بی‌بضاعت و فلان‌الدوله واقع شد، طرفداری از وی نکنند و اگر حکمی صادر شود از روی مساوات باشد و نه از روی مقام و شأن.^۱

در شماره دیگر می‌نویسد: «... علت سیه‌روزماری و هلاکت ما، بزرگان یا عبارتی اوضح روسای روحانی و جسمانی ما هستند که از عدل و انصاف عدول کردند و به جور اعتضاف میل کردند و قوی را رشوه‌خواری دین شد و طایفه را مردم‌آزاری آئین گشت... [رؤسای] جسمانیان... اینها جان رعایا را به چماق گیرند... سارق را دست ببرند اگر فقیر باشد، و بر اکرامش بیافزینند اگر میر باشد... حلال حرام و زهرش نوشدارو، و فحشش طیبات است. شریف اگر دزدی کند، همه درخور ستایش، و امیر اگر سارق باشد پسندیده و نیکو...» البته هر حاکمی که حکم به ناعدل کند، آن فرد مسئول کار خویش است ولی دلیل آن عدم وطن‌پرستی و منفعت‌طلب بودن افراد است.^۲

ارجحیت منافع شخصی بر منافع ملی در سراسر دوره قاجار به وفور به چشم می‌خورد. اکثر قراردادهای منعقد شده در دوره ناصری و مظفری از این اصل پیروی می‌کردند. از طرف دیگر، افرادی که به مقام‌های بالا می‌رسیدند نه به خاطر لیاقت و استعداد، بلکه از طریق کانال‌های نامشروع در دوره قاجار، به قدرت دست می‌یافتند. بنابراین بعد از روی کار آمدن، چندان به فکر منافع ملی نبودند. در شماره چهارده از سال اول روزنامه‌تρία، این مطلب را می‌توان در مقاله مدرسه دارالفنون (فساد اخلاق) مشاهده کرد که در مطلبی انتقادی، نویسنده از اینکه بودجه این مدرسه صرف تحصیل و هزینه آموزشی نمی‌شود انتقاد می‌کند و از این مطلب می‌توان به وجود فساد اداری در نظام آموزشی پی برد.^۳

۱۸۹۹، ص ۱۱

۱. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، تρία، سال اول، ش ۲۵، پنجم ذی الحجه ۱۳۱۷/ ۱۵ آوریل

۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، تρία، سال دوم، ش ۲۰، ۲۹ ذی القعدة ۱۳۱۷/ ۳۰ مارس

۱۹۰۰، ص ۱۸

۳. همان، «دارالفنون (فساد اخلاق)»، تρία، سال دوم، ش ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷/ ۱۷ فوریه ۱۹۰۰، ص ۱۱

این نمونه‌ای بود که در روزنامه‌ی ثریا انتشار یافته بود؛ ولی این واقعیت که دولتمردان قجری در مسائلی که مربوط به حفظ منافع ملی کشور بود، چندان تلاشی از خود به راه نمی‌دادند، به کرات دیده می‌شد که نمونه‌ی بارز آن را در دوره‌ی مظفری، می‌توان در استقراض‌هایی که از روسیه و انگلیس صورت می‌گرفت، دید. راهکار روزنامه‌ی ثریا برای رهایی از این مشکل، تلاش برای تقویت حس وطن‌پرستی در میان ایرانیان بود.

راهکارهای ثریا برای پیشرفت ایران

ژاپن از جمله کشورهایی بود که هم‌زمان با قدرت داشتن قاجار، روند پرسرعتی را برای پیشرفت پیمود. از آنجا که ژاپن یک کشور آسیایی بود، زمانی که ایرانیان به ضعف و عقب‌ماندگی خود پی بردند، این کشور را الگوی مناسبی برای خود احساس کردند و به همین دلیل به تمام جوانب پیشرفت آن توجه می‌کردند. ثریا در یکی از مقالات خود این سؤال را مطرح می‌کند که چه باعث شد که این دولت شرقی، در ظرف مدت سی و پنج سال، این همه ترقی کند، به طوری که امروز به جز انگلیس، هیچ دولتی را یارای مقاومت و برابری با آن نیست و کشتی‌های جنگی آن دریاهای شرق را پر کرده است. اگر ایرانیان نیز به فکر پیشرفت و ترقی بیافتند، باید مدارس و مکاتب در خاک خویش باز کنند. شک نیست که مانند ژاپن می‌توان پیشرفت کرد. چون انسان با سعی و تلاش و کوشش می‌تواند پیشرفت کند. اگر «...» از وادی جهالت بگذرد و از حرکات نادانی، خودپسندی منصرف شود، یقین هر چه خواهد بیابد، و درد اینجاست که ما هنوز به جهل خویش معترف نیستیم و گمان می‌کنیم اگر دو قوم و ملت متمدن در کره زمین پیدا شود، ثانویس ماییم...»^۱

ثریا کشور را به بیماری تشبیه می‌کند که درد خود را نمی‌داند و روزه‌روز به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. می‌نویسد: «در حالی که کشور ما مانند بیماری است که به بیماری سل مبتلاست و مرگش نزدیک شده است، ولی خودش نمی‌داند و خود را تندرست و سالم می‌داند. کسانی که از حالش مطلع‌اند، به او می‌گویند خود را مداوا کن، ولی بیمار جاهل، گفته حکما را تمسخر می‌کند و غرور و نادانی نمی‌گذارد. حتی اگر زمانی به این فکر بیافتد، بعضی از جاهلان او را منصرف می‌کنند.»^۲ بنابراین وضعیت ایران در دوره‌ی قاجار و به خصوص در دوره‌ی مظفری چنین بوده است.

۱. همان، ص ۱۳

۲. همانجا

از جمله مواردی که در بررسی پیشرفت ژاپن، در روزنامه‌نویس به آن توجه شد، وضعیت آموزش و پرورش در این کشور بود. به گفته‌نویس در ژاپن تحصیل در مدارس برای دختر و پسر اجباری است. در سه سال قبل، بیست و پنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار مدرسه ابتدایی و هزار و پانصد و چهل و هفت مدرسه رشديه و علمیه در ژاپن افتتاح شده‌است. دولت انگلیس ۳۱ هزار و چهل مدرسه داشته، ولی در عرض این سه سال پیشرفت علم در ژاپن دو برابر انگلیس بوده‌است. تعداد شاگردان پسر، دومیلیون و سیصد و بیست هزار و هفتاد و دو شاگرد و تعداد شاگردان دختر، شصت و پنج هزار و صد و بیست و دو نفر و تعداد معلمین یازده هزار و سی و شش نفر بوده‌است.^۱

به عقیده‌نویس، این پیشرفت‌ها، همه نتیجه تلاش و کوشش، زحمت و ریاضت است؛ در حالی که ما هنوز در قید و بند خیالات واهی و تصورات موهومه هستیم.^۲ آن روزی که از این کشور نام و نشانی در علم نبود، ما صاحب علم و دارای ثروت و مدنیت بودیم؛ لکن اکنون باید نگاه کرد ژاپن به علت علم و ترقی سرآمد تمام کشورهای جهان شد.^۳

پیشنهادی که روزنامه به مردم ارائه می‌دهد، چنین است: «از این رو ایرانیان باید به خود بیایند و با درس گرفتن از ژاپن، راه را برای پیشرفت هموار کنند؛ چون تا این درجه عقب‌مانده بودن ایرانیان از قافله تمدن، به اندازه ترقی و پیشرفت ژاپن حیرت‌انگیز است. پس باید برای ترقی گام برداریم.»^۴

در حقیقت، راهکار ژاپن برای رهایی و نجات از این عقب‌ماندگی، تنبه و آگاهی مردم است که «... چشمها گشایند و گوش‌ها فرادهند و عالم را با چشم بینا و دل دانا تماشا کنند و در تدارک آنچه محتاجیم یکرویه همت مصروف دارند و احتیاج ما از اجانب اندک و این آگاهی و تنبه افراد ملت را حاصل نشود جز آنکه امروز بزرگان و متمولین مکاتب و مدارس تأسیس کنند و در هر شهری مریضخانه و یتیم‌خانه برپای دارند...»^۵

علاوه بر علم‌آموزی و گسترش مدارس جدید به عنوان راه حل برای پیشرفت، این روزنامه

۱. همان، «ترقی علم در ژاپن»، ژاپن، سال اول، ش ۱۰، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶ / ۳۱ دسامبر ۱۸۹۹، ص ۱۰

۲. همان، «نعم علم و نعم جهل»، ژاپن، سال اول، ش ۳، ۲۸ جمادی الاول ۱۳۱۶ / ۱۳ نوامبر ۱۸۹۸، ص ۱۳

۳. همان، «مکتوب از بغداد»، ژاپن، سال اول، ش ۱۰، ۳۰ محرم ۱۳۱۷ / ۲۰ مه ۱۸۹۹، ص ۹

۴. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ژاپن، سال اول، ش ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷ / ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۳

۵. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المومنین»، ژاپن، سال اول، ش ۱۴، ۱۶ رمضان ۱۳۱۶ / ۲۸ ژانویه

۱۸۹۹، ص ۱۳

در مقالات خود به ضرورت پیشرفت تجارت در کشور، رواج کشاورزی و تولید کالاهای وطنی و تشویق به استفاده از آنها تأکید می‌کند و به طور کلی، پایه و اساس ترقی را سه چیز می‌داند: زراعت، صنعت و تجارت. اگر این سه در کشور پیشرفت کند، کشور تا حد زیادی پیشرفت خواهد کرد. در یکی از مقاله‌ها، نویسنده، تجار را به دو قشر دیگر یعنی دولت و ملت برتری داده است؛ چون تجار هستند که کشاورزی و صنعت را در کشور رواج می‌دهند: «... مثلاً تجار با ثروت برای منافع خویش پنجاه محل خرابه را آباد کرده و در آن زراعت میکنند، هم خویش منتفع میشود و هم به دولت و ملت خویش نفع می‌رساند؛ دوم مشوق صنعتگر می‌شود و آنچه به زحمت ایجاد و اختراع کرده، می‌خرد و وی را به پول و اسباب کمک می‌کند؛ طبیعی است صنعتگر چون دید مصنوع خویش به فروش رفت و طالب پیدا کرد، جهد و تلاش می‌کند که بهتر از اول بسازد و نکوتر از نخست جلوه دهد. پس در این صورت معلوم شد که ترقی کشوری بسته به ترقی تجارت در آن کشور است؛ هر چه دامنه تجارتشان وسیع‌تر باشد، اعتبار دولتشان بیشتر خواهند و افتخار ملتشان زیادتر...»^۱

در مقاله‌ای دیگر، بر این نکته تأکید می‌کند که عامل ثروت و پیشرفت و قدرت در یک کشور، علوم و فنون، صنایع، تجارت و شراکت و اتحاد است و همه این موارد در کشورهای اروپایی یافت می‌شود و همین امر باعث پیشرفت روزافزون اروپاییان شده است.^۲ نکته دیگری که نویسنده مقاله بر آن تأکید می‌نماید، این است که پیشرفت تجارت در کشور، نیازمند امنیت است؛ زیرا اگر امنیت نباشد، تجارت در کشور نمی‌تواند ثباتی داشته باشد و در نتیجه کشور نیز نمی‌تواند پیشرفت کند.^۳

به عقیده ثریا، از دیگر راه‌هایی که منجر به پیشرفت یک کشور می‌شود، قطع وابستگی از خارج و استفاده از کالاهای داخلی است. ایرانیان باید تا حد توان احتیاج خود را از خارج از کشور و بیگانگان کم کنند. همچنین اعتقاد دارد که «... آنچه بلا بر سر انسان آید از احتیاج است و آنچه راحت بیند از استغنا. در درجه اول کالاهای مصرفی است و اگر از این کالاهای استفاده نکنیم خللی در زندگی روزمره برای ایرانیان به وجود نمی‌آید ولی حسن بزرگ این کار

۱. همان، «مکتوب از اصفهان»، ثریا، سال اول، ش ۳۳، ۱ صفر ۱۳۱۷ / ۱۰ ژوئن ۱۸۹۹، صص ۱۰-۱۱.
 ۲. همان، «صورت اعلان، وعده‌خواهی در کاشان بجهت منسوجات شرکت اسلامی اصفهان»، ثریا، سال دوم، ش ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۸ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۴.
 ۳. همان، «بندر بوشهر»، ثریا، سال دوم، ش ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷ / ۱۷ فوریه ۱۹۰۰، ص ۱۴.

قطع وابستگی به خارج است؛ چون اعتقاد دارد که احتیاج به خارج ضررها و بلاهای زیادی را به مردم یک کشور تحمیل می‌کند.^۱ بنابراین برای دستیابی به این هدف باید حس وطن‌دوستی ایرانیان اصلاح شود.

به طور کلی در دوره قاجار، بعد از آشنایی ایرانیان با غرب و شکل‌گیری طبقه روشنفکر در جامعه، مفاهیم وطن‌پرستی برای اولین بار وارد جامعه ایرانی شد. درباره تعریف وطن در ثریا آمده‌است که: وطن مملکتی است که شخصی بدان منسوب است. برای حفظ و حمایت آن باید سر و جان فدا کرد و برای آبادانی آن تلاش کرد. مثلاً شخص انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در کشورهای خارج سال‌های طولانی باشند، اگر از فرزندان آنان سؤال شود وطن شما کجاست بلافاصله اسم وطن اجداد خود را به زبان می‌آورند و وطن اجداد خود را فراموش نمی‌کنند.^۲

بنابراین ثریا در مقالات متعددی به تقویت حس وطن‌پرستی در جامعه ایران عصر قاجار تأکید می‌کند. این روزنامه، حس وطن‌پرستی‌ای را که در کشور جدیدی مانند آمریکا وجود دارد تحسین می‌کند، چون مردم این کشور از کشورهای مختلف اروپا به آمریکا کوچ کردند؛ ولی اکنون در حالی که چهارصد سال از قدمت این کشور نمی‌گذرد، هم آنان خود را آمریکایی می‌دانند.^۳

درباره وطن‌دوستی انگلیسیان نیز در شماره ۱۲ سال اول بحث شده‌است، که در شهر قاهره شخصی که انگلیسی است، جز از تاجر انگلیسی امکان ندارد از کس دیگری مایحتاج خود را بخرد. اگر لباسی بخواهد، لباس انگلیسی می‌خرد، یا اگر قهوه بخواهد آن را در قهوه‌خانه انگلیسی می‌نوشد. غذا و لباس سرباز انگلیسی باید از لندن بیاید و با وجودی که جنس لندن با قاهره چندین برابر تفاوت قیمت دارد، جنس مصری را نمی‌خرند؛ به این دلیل که به تاجران انگلیسی سود برسانند. این کار انگلیسی‌ها از روی خرد و دانش آنها است؛ چون نخستین لازمه پیشرفت دوست داشتن سرزمین خود است....^۴

بنابراین، امروز ملت ایران در هر کجا که پراکنده باشند باز ملت ایران هستند: «... و وطن

۱. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۳۰، ۱۰ محرم ۱۳۱۷ / ۲۰ مه ۱۸۹۹، ص ۱۴.

۲. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۱، ۶ ذی القعدة ۱۳۱۶ / ۱۸ مارس ۱۸۹۹، صص ۹-۱۰.

۳. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۶، ۱۲ ذی الحجة ۱۳۱۶ / ۲۲ آوریل ۱۸۹۹، ص ۱۲.

۴. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۱۲، دوم رمضان ۱۳۱۶ / ۱۴ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۵.

مقدس ما، که خدایش از شر اعدا مصون فرماید، خاک پاک ایران است، چرا باید ما قدر آن شناسیم و اهمیت آن را ندانیم و به خرابی و تباهی آن رضا شدیم؟ بر ماست که در هر نقطه از دنیای جدید و عتیق که ساکن هستیم، دوستدار وطن باشیم و شب و روز در خیال که اسبابی برای راحت آن تهیه و تدارک کنیم و اوضاعی برای آبادی آن فراهم آریم که اولین قدم آن افتتاح مدارس است؛ که تمام افراد کشور درست تربیت شود...»^۱

ثریا علاوه بر تأکید بر وطن‌پرستی مردم ایران، به وحدت اسلامی و اتحاد بین مسلمانان نیز تأکید می‌ورزد. در شماره ۱۵ سال اول آمده است: «سیاه و سفید، حبشی و قریشی، تمام مسلمانیم و ملت واحده هستیم و بر آنچه از ما فوت شده، افسوس نباید خورد و تدبیر حال و فکر استقبال را باید کرد و اگر نفاق و کدورتی که در میان ملل اسلامی بواسطه جهالت قدمای ما باقی مانده، باب اتحاد و اتفاق بشویم... اگر به کلمه وفاق تشبث جوئیم و از خویشتن‌آزاری و خودخصمی کناره کنیم، باشد که آب رفته به جوی بازآریم و اسلام به قوت نخست بازآید و اگر این جهالت نفاق زایل گردد، عن قریب ابنای ما بر دوره ما حسرت خورند و از عهد آزادی ما یاد آرند و بر جهالت ما نفرین کنند؛ که علت تفرقه و انهدام اسلامی شدیم و باعث بدبختی و فلاکت آنها گشتیم. از آن طرف ملت نصارا روزبه‌روز کوشش دارند که نفاق را از میان بردارند و اسباب اتحاد فراهم آرند و امروز ملاحظه می‌کنیم چقدرها فرق پیدا کرده و نفاقشان بدل به وفاق شده و هنگامیکه هزار ضدیت سیاسی در میانشان ملحوظ است، چون پای مذهب در میان آمد تمام برادر می‌شوند...»^۲

بنابراین برای پیشرفت جامعه باید پایه وطن‌پرستی را در کشور و وحدت اسلامی را در میان کشورهای مسلمان تقویت کرد.

علاوه بر راهکارهای ارائه شده برای غلبه بر عقب‌ماندگی، راهکارهای دیگری نیز در روزنامه ثریا برای پیشرفت کشور ارائه شده است. یکی از این راه‌ها، کشیدن راه‌آهن در سطح کشور است که در آن فواید بسیاری نهفته و مهمترین آن، گسترش ارتباط میان نقاط مختلف کشور است.^۳

نویسنده روزنامه معتقد است که یکی از دلایل خرابی‌ها و عقب‌ماندگی‌های جامعه ایران عصر

۱. همان، «حب الوطن من الایمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۱، ۶ ذی القعدة ۱۳۱۶ / ۱۸ مارس ۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ثمره وفاق - نتیجه نفاق»، ثریا، سال اول، ش ۱۵، ۲۲ رمضان ۱۳۱۶ / ۴ فوریه ۱۸۹۹، ص ۱۲

۳. همان، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال دوم، ش ۸، ۴ رجب ۱۳۱۷ / ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹، ص ۱۷

قاجار و به خصوص دوره مظفرالدین شاه، فقدان راه‌آهن در کشور است. اگر راه‌آهن وجود داشت در کشور اصلاحات گوناگونی انجام می‌گرفت. از جمله فواید راه‌آهن این بود که هرگز اهالی کشور گرفتار گرانی و قحطی نمی‌شدند و مایحتاج زندگی اینقدر گران نبود. نویسنده معتقد است امروزه علت راحتی و آسایش اروپاییان احداث راه‌آهن است که سبب برکت و فراوانی نعمت از هر جهت برای ایشان شده است.^١ ولی در ایران، به دلیل نبود راه‌آهن، اوضاع به گونه دیگر است. در تریا در این مورد آمده است: «... در همدان و کردستان مردم به واسطه قحطی رجال و نسوان از اولاد و احفاد گرانبهاتر بضاعات خویش درگذرند؛ لکن در شیراز گندم خرواری پنج‌شش تومان باشد و در عراق ده‌دوازده تومان. در آنجا مردم از گرسنگی آه کشند و دم فروبندند و به خواری و ذلت بدرود حیات گفتند و در اینجا است که در مملکت، راه‌آهن نیست و اگر ابنای وطن ما در پنجاه سال قبل بدین خیال افتاده بودند و اقبالاً در وسط مملکت خویش از شرق به غرب و شمال به جنوب خط آهن می‌کشیدند، امروز به این دردهای بی‌امان نیفتاده بودند...»^٢ و به این مطلب نیز اشاره می‌کند که دلیل اینکه در یک شهر گندم و غله را موش‌ها می‌خورند و در شهر دیگر بخاطر کمبود آن، مردم جان خود را از دست می‌دهند، نبود راه‌آهن است.^٣ در ادامه، یکی از فواید اصلی آهن را این می‌داند که به واسطه آن، حمل‌ونقل کالاهای تجاری آسان می‌شود و سرزمین‌های گوناگون، از کالاهای و محصولات سرزمین‌های دیگر استفاده می‌کنند.^٤

در ایران معادن فراوانی وجود دارد. در دوره قاجار نیز تعداد زیادی از این معادن مانند زغال سنگ، آهن، مس، سنگ مرمر، طلا، نقره و انواع سنگ‌ها شناسایی شده بودند^٥ و از جمله وظایف حکومت این بود که این معادن را استخراج کند. از نظر روزنامه‌ت‌ریا، معادنی که استخراج می‌شدند، در صورت وجود راه‌آهن، به آسانی به محل مورد نظر منتقل می‌شدند؛ در حالی که اگر این کار توسط حیوانات (چنان که در دوره قاجار در ایران مرسوم بود) حمل‌ونقل

١. همان، «مکتوب از اصفهان»، تریا، سال اول، ش ٣٣، ١ صفر ١٣١٧ / ١٠ ژوئن ١٨٩٩، ص ١٢

٢. همان، «راه آهن و منافع آن»، سال اول، ش ٤٣، ١٢ ربیع الثانی ١٣١٧ / ٢٠ آوریل ١٨٩٩، ص ١١

٣. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، تریا، سال اول، ش ١١، ١٦ رمضان ١٣١٦ / ٢٨ ژانویه ١٨٩٩، ص ١٤

٤. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، تریا، سال اول، ش ٤١، ٢٧ ربیع الاول ١٣١٧ / ٥ آوریل ١٨٩٩، ص ١٦

٥. لیست این معادن و مناطقی که در آنجا یافت می‌شود در شماره چهارم سال اول این روزنامه ذکر شده است.

گردد، هیچ فایده‌ای، نه برای مردم و نه برای دولت ندارد؛ مانند زغال سنگ‌هایی که در کوه‌های مازندران وجود داشت و کسی از آنها فایده‌ای نمی‌برد. ولی اگر در ایران راه‌آهن بود و زغال سنگ‌های ایران را به سواحل دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان منتقل می‌کرد، انگلیسی‌ها، آن را با قیمت بالایی از ایران می‌خریدند و ایران از هر جهت سود می‌برد.

یکی دیگر از فواید راه‌آهن، در زمینه امور نظامی و هنگام جنگ است؛ زیرا از این طریق، به راحتی سلاح، آذوقه، دارو و هر چیزی را که در زمان جنگ بدان نیاز است، به نقاط جنگی ارسال کرد و به همین منظور این روزنامه دولت‌هایی را که خطوط راه‌آهن دارند، مقتدرتر و غنی‌تر می‌داند و بر عکس، کشورهایی را که راه‌آهن ندارند، کشورهای ضعیف و مغلوب می‌داند. داشتن راه‌آهن را سبب ترقی و پیشرفت یک کشور می‌داند و معتقد است هر دولتی که راه‌آهن نداشته باشد بدون جنگ مغلوب دشمن خواهد بود؛ «زیرا دارو و تریاق بطرف مدت چهل روز از طهران به بوشهر رسد سواحل مارگزیده بحر عمان از شدت جوع و اضطراب و الم مرده، بلکه کفن‌ها پوسیده مشاهده خواهد گردید. در هنگام حرب، بهر نقطه که لازم باشد بتوسط راه‌آهن، از اماکن بعیده بمدت خیلی عساکر و طوپ و تفنگ و مهمات حربیه و آنچه خواسته شود نقل می‌توان داد...»^۱

نکته‌ای که ثریا بر آن تأکید می‌کند، این است که در راه‌اندازی راه‌آهن، باید توجه داشت که امتیاز آن به بیگانگان داده نشود و اگر قرار است این کار انجام شود، باید به دست خود ایرانیان صورت پذیرد؛ چون در این صورت هیچ سودی به ایران نخواهد رسید و بیگانگان، ایران را هرچه بیشتر وابسته خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

از دید روزنامه ثریا، مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی ایران در دوره قاجار، جهالت و بی‌سوادی مردم، تقدیرگرایی یعنی اعتقاد به قضا و قدر، در همه امور زندگی بدون انجام هیچ‌گونه تلاش و کوششی جهت آبادانی کشور، وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان، نبودن عدالت و مساوات و برابری، و تبعیض دولت میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه است. ثریا معتقد است که تا این مشکلات در جامعه برطرف نگردد، کشور پیشرفت نخواهد کرد.

۱. میرزا علی محمدخان کاشانی، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال اول، ش ۵، ۱۵ رجب ۱۳۱۷، ۱۸ نوامبر ۱۸۹۹، صص ۱۷ - ۱۶

باید توجه کرد که موارد فوق، فکر و اندیشه‌ی تمامی روشنفکران عصر قاجار بوده و در بسیاری از روزنامه‌های آن دوره، به این موضوع پرداخته شده است. ثریا نیز به عنوان یک روزنامه‌انتقادی و روشنفکر، همواره به دنبال یافتن راه حل برای آگاهی مردم و بیرون آوردن کشور از منجلاب عقب‌ماندگی و وابستگی بوده است. از این رو، در مقاله‌های متعدد به صورت موشکافانه و گاهی در قالب طنز و مناظره، به ارائه دیدگاه‌های خود و بیان راه حل می‌پردازد. چنانکه در مقاله برشمردیم، روزنامه با ارائه راهکارهایی مانند علم‌آموزی و از بین بردن جهل در جامعه، تقویت کردن اقتصاد از طریق پرداختن به کشاورزی و نیز گسترش تجارت در کشور که لازمه آن ایجاد سیستم حمل و نقل است و این خود از طریق احداث راه‌آهن در کشور به دست می‌آید، به تلاش برای از بین بردن عقب‌ماندگی کشور پرداخت؛ اما بیشترین توجه آن به عنوان راهکار برای پیشرفت جامعه، به سوادآموزی و تأسیس مدارس جدید در کشور است. چون عقیده دارد از طریق علم‌آموزی است که می‌توان از عقب‌ماندگی‌ای که گریبانگیر ایران عصر قاجار بود، رهایی یافت. در پی دسترسی به این هدف، این روزنامه به کشوری مانند ژاپن که در این دوره پله‌های ترقی را پیموده بود، توجه نمود.

این مسئله یعنی گسترش مدارس جدید در دوره مظفری تحقق یافت. شاید انقلاب مشروطه را بتوان نتیجه بالا رفتن سطح آگاهی مردم در این دوره دانست. مردمی که با فراگیری علوم جدید با حقوق خود بیشتر آشنا شده بودند و دیگر یک قدرت مطلق را بر نمی‌تافتند.

۴۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

منابع

کتابها

- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۸۳.

روزنامه ها

- کاشانی، میرزا علی محمدخان، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال اول، شماره ۵، ۱۵ رجب ۱۳۱۷، ۱۸ نوامبر ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال دوم، شماره ۴۸ رجب ۱۳۱۷، ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال اول، شماره ۴، ۸ رجب ۱۳۱۷، ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی» ثریا، سال اول، شماره ۲۵، پنجم ذی الحجه ۱۳۱۷، ۱۵ آوریل ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی» ثریا، سال اول، شماره ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷، ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، شماره ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷، ۱۷ ژوئن ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله مصاحبه از نمرة ۲۸»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۱، ۴ رمضان ۱۳۱۷، ۶ نوامبر ۱۹۰۰.
-، «بقیه مقاله نعم علم و نعم جهل»، ثریا، سال اول، شماره ۸، سوم شعبان ۱۳۱۶، ۱۷ دسامبر ۱۸۹۸.
-، «بقیه مقاله و ذکر فان الذكر تنفع المؤمنين»، ثریا، سال اول، شماره ۱۴، شانزدهم رمضان ۱۳۱۶، ۲۸ ژانویه ۱۸۹۹.
-، «بقیه مقاله و ذکر فان الذكر تنفع المؤمنين»، ثریا، سال اول، شماره ۴۱، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۷، ۵ آوریل ۱۸۹۹.
-، «بندر بوشهر»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷، ۱۷ فوریه ۱۹۰۰.
-، «ترقی علم در ژاپن»، ثریا، سال اول، شماره ۱۰، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶، ۳۱ دسامبر ۱۸۹۹.

عقب‌ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامه‌ت‌ریا ٤٧

- «ترقی ما و دیگران»، تریا، سال دوم، شماره ٣٧، ٢٧ جمادی‌الاول ١٣١٧، ٢٢ سپتامبر ١٩٠٠.
- «تریا»، تریا، سال اول، شماره ٣٦، ٢٢ صفر ١٣١٧، ١٠ جولای ١٨٩٩.
- «تریا»، تریا، سال دوم، شماره ١٨، ١٦ ذی‌القعدة ١٣١٧، ١٧ مارس ١٩٠٠.
- «ثمره وفاق- نتیجه نفاق»، تریا، سال اول، شماره ١٥، ٢٢ رمضان ١٣١٦، ٤ فوریه ١٨٩٩.
- «حب الوطن من الایمان» تریا، سال اول، شماره ٢٦، ١٢ ذی‌الحجه ١٣١٦، ٢ آوریل ١٨٩٩.
- «حب الوطن من الایمان»، تریا، سال اول، شماره ٣٠، ص ١٤، ١٠ محرم ١٣١٧، ٢٠ مه ١٨٩٩.
- «حب الوطن من الایمان»، تریا، سال اول، شماره ٢٦، ١٢ ذی‌الحجه ١٣١٦، ٢٢ آوریل ١٨٩٩.
- «حب الوطن من الایمان»، تریا، سال اول، شماره ٢١، ٦ ذی‌القعدة ١٣١٦، ١٨ مارس ١٨٩٩.
- «حب الوطن من الایمان»، تریا، سال اول، شماره ١٢، دوم رمضان ١٣١٦، ١٤ ژانویه ١٨٩٩.
- «دارالخلافة طهران»، تریا، سال دوم، شماره ١٧، ٩ ذی‌القعدة ١٣١٧، ١٠ مارس ١٩٠٠.
- «دارالفنون (فساد اخلاق)»، تریا، سال دوم، شماره ١٤، ١٧ شوال ١٣١٧، ١٧ فوریه ١٩٠٠.
- «راه آهن و منافع آن»، تریا، سال اول، شماره ٤٣، ١٢ ربیع‌الثانی ١٣١٧، ٢٠ آوریل ١٨٩٩.
- «صورت اعلان، وعده‌خواهی در کاشان بجهت منسوجات شرکت اسلامیة اصفهان»، تریا، سال دوم، شماره ٣٧، ٢٧ جمادی‌الاول ١٣١٨، ٢٢ سپتامبر ١٩٠٠.
- «مکتوب از اصفهان»، تریا، سال اول، شماره ٣٣، اول صفر ١٣١٧، ١٠ ژوئن ١٨٩٩.
- «مکتوب از بغداد»، تریا، سال اول، شماره ٣٠، ١٠ محرم ١٣١٧، ٢٠ مه ١٨٩٩.
- «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، تریا، سال دوم، شماره ١٩، ٢٣ ذی‌القعدة ١٣١٧، ٢٤ مارس ١٩٠٠.

۴۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

- «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۶، دوم ذی‌القعدة ۱۳۱۷، ۳ مارس ۱۹۰۰.
- «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، شماره ۲۰، ۲۹ ذی‌القعدة ۱۳۱۷، ۳۰ مارس ۱۹۰۰.
- «مویه ثریا بر جگرگوشگان وطن»، ثریا، سال اول، شماره ۳۷، ۲۹ صفر ۱۳۱۷، ۸ جولای ۱۸۹۹.
- «نعم علم و نقم جهل»، ثریا، سال اول، شماره ۳، ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۱۶، ۱۳ نوامبر ۱۸۹۸.
- «هل یتوی الاعمی و البصیر»، ثریا، سال اول، شماره ۱۱، ۲۶ شعبان ۱۳۱۶، ۷ ژانویه ۱۸۹۹.